

## تمایز میان سنت واقعی و جلوه‌های متفاوت آن در کلام استاد مطهری

حیدر حب الله

ترجمه: محمد رضا ملانی

سؤال<sup>1</sup>: استاد مطهری می‌گوید: ما خیال می‌کنیم که سنت تکوین بر این مبنی است که همواره یک موجود زنده را از ارتباط پدر و مادر بیافریند، ولی در حقیقت این پوسته‌ای از سنت واقعی است و خود آن نیست. بنابراین ولادت حضرت عیسی علیه السلام را نمی‌توانیم مثال نقض این سنت بدانیم، بلکه صرفاً با پوسته‌ای از تکوین و حقیقت در تعارض است. خواهش می‌کنم توضیح دهید که ماهیت سنت واقعی تکوین چیست که در نتیجه آن حضرت عیسی بدون هیچ پدری به دنیا آمد؟ آیا شهید مطهری از این کلام ابن عربی تأثیر پذیرفته است که: عیسی از رحم واقعی مریم و ترشح موهومی از جبرئیل به وجود آمد؟

پاسخ: این متن به دنبال تبیین اندیشه‌ای است که امروزه به واسطه پیشرفت علوم طبیعی، بسیار روشن و واضح شده است و این علوم با مثال‌های متنوعی ما را در فهم این مسائل یاری کرده‌اند. می‌دانیم که طبق سنت‌های طبیعت، اگر انسان آب پرتقال بنوشد نشاط بیشتری پیدا می‌کند یا مزاجش تعدیل می‌شود یا اگر قهوه‌ای میل کند دیگر نمی‌تواند به راحتی بخوابد به این دلیل که مثلاً قهوه نگرانی‌های برخی از افراد را تشدید می‌کند.

ما پیش از این فکر می‌کردیم که این تأثیرات نتایج خود این چیزها است، ولی با پیشرفت علوم متوجه شدیم به این سادگی‌ای که فکر می‌کردیم نیست و این اثرات، ناشی از مواد شیمیایی موجود درون آن‌ها است، بنابراین با مصرف این مواد شیمیایی می‌توانیم چنین تأثیراتی را روی بدنمان مشاهده کنیم، بدون اینکه خود آن گیاهان و یا نوشیدنی‌ها را را بخوریم یا بنوشیم. معنای این تبیین آن است که سنت تکوینی – معنایی از آن که مد نظر متن یادشده شده در پرسش است- همان تداوم نیست، به عبارتی نتیجه مشاهده همیشگی دو چیز کنار هم، تکوینی بودن ارتباط میان آن دو چیز را نمی‌رساند، بلکه برای به دست آوردن سنت تکوینی، بایستی عمیق‌تر مشاهده کنیم و به تقارن و همراهی صرف اکتفا نکنیم. اگر این روش را دنبال کنیم، پیرو پیشرفت شناختمان نسبت به هستی و اسرار آن، فهم متفاوتی از آن را به دست می‌آوریم. ما پیش از این فکر می‌کردیم بدون یک رابطه جنسی، امکان ندارد موجود زنده‌ای به دنیا بیاید، ولی انقلاب در هندسه وراثت در قرن بیستم این تصور را متزلزل ساخت همانطور که وجود حضرت آدم و حضرت عیسی نیز چنین تصویری را پیش از این برای دین‌داران متزلزل کرده بود.

<sup>1</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدین والاجتماع 4: سوال: 530.

حال چرا شهید مطهری مفهوم سنت تکوینی را اصلاح کرد؟ او به راحتی درک می‌کند که امکان ندارد حتی برای یکبار، سنت تکوینی از نابود یا تعطیل شود چرا که «...فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»<sup>2</sup> (فاطر: 43) بنابراین سنت‌ها دگرگون نمی‌شوند. پس وقتی می‌بینیم که عیسی علیه السلام بدون وجود پدر متولد می‌شود، این واقعه به ما می‌فهماند آن چیزی را که پیش از این فکر می‌کردیم سنت است، سنت نبوده، اگر سنت می‌بود تغییر نمی‌کرد و دگرگون نمی‌شد پس می‌توانیم برای آن اصطلاح پوسته سنت را به کار ببریم و منظور از آن چهره ظاهری غالبی سنت تکوینی است که ما آن را به اشتباه به عنوان خود سنت تکوینی شناخته‌ایم. فهم این تمایز شهید مطهری و بسیاری دیگر از پژوهشگران را یاری کرده است تا از سویی نصوص قرآنی و از سوی دیگر مسئله معجزه را بهتر بفهمند.

طبعاً در این مسئله هر کس می‌تواند اصطلاح خود را به کار ببرد، مثلاً من می‌توانم بگویم آن حالت غالبی سنت است. پس بحث بر سر اصطلاحات نیست، موضوع ما مفاهیم مرتبط با اندیشه عدم نقض سنت‌های هستی است که مشکلاتی را در تعدادی از مسائل کلامی و فلسفی ایجاد کرده است.

من فکر نمی‌کنم منظور استاد مطهری از این سخن، پذیرش اندیشه ابن عربی باشد. دست‌کم از ظاهر کلامشان چنین چیزی بر نمی‌آید، چرا که این سخن اساساً نفی پدر را مسئله ساز نمی‌داند در حالی که ابن عربی با تزریق معنای عرفانی به مفهوم پدر، جبرئیل را پدر او دانسته.

---

<sup>2</sup> پس هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی، و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.